



## به استقبال روز اول ماه مه، روز هم بستگی کارگران برویم!

### برگزاری جشن اول ماه مه در جنبش کارگری ایران

اولین بار جبهه‌ی مبارزه برای به رسمیت شناختن جشن اول ماه مه، روز هم بستگی جهانی کارگران، پس از جنگ جهانی اول در ایران آغاز شد و نخستین جشن رسمی کارگران در سال ۱۲۹۹ با شرکت هزاران نفر کارگر به ابتکار شورای مرکزی اتحادیه‌ی کارگران ایران - که نماینده‌ی کارگران ۲۵ اتحادیه‌ی کارگری آن زمان بود - برگزار شد. این جبهه در تمام طول رژیم رضاخانی هم چنان گشوده ماند. از جمله در سال ۱۳۰۵، ۷۰۰ الی ۸۰۰ کارگر به صورت گروه‌های سه الی چهار نفری مخفیانه اول ماه مه را در باغی در دروازه‌ی دولت تهران جشن گرفته و هم بستگی خود را با کارگران جهان اعلام نمودند. پلیس به این اجتماع حمله کرده و صد نفر از کارگران را دستگیر کرد.

سال ۱۳۰۸، اتحادیه‌ی کارگران نفت جنوب - که در سال ۱۳۰۴ تشکیل شده بود - برای تجدید نظر در قرارداد و امتیازات نفت جنوب و خواست‌های دیگر از جمله به رسمیت شناخته شدن روز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت)، روز جشن هم بستگی کارگران جهان، تصمیم به اعتصاب گرفت. کمپانی نفت انگلیس به وحشت افتاده و بر علیه کارگران دست به کار شد و کوشید تا با دستگیری ۲۳ نفر از فعالین کارگری مانع اعتصاب شود، ولی اعتصاب با خواست‌های بیش‌تری در روز چهارم ماه مه به وقوع پیوست. پلیس سرکوب گر رضاخان به اعتصابیون حمله نموده و در نتیجه بیست کارگر و پانزده پلیس زخمی شدند. اعتصاب سه روز طول کشید، ولی پلیس با دستگیری، تبعید و زندانی کردن حدود ۲۳۲ نفر و اخراج ۵۰۰ نفر از کارگران مانع پیروزی اعتصاب شد. (پنج نفر از کارگران اعتصابی تا زمان فرار رضاخان هم چنان در زندان باقی ماندند.) در همین سال، ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه‌ی وطن اصفهان در روز اول ماه مه دست به اعتصاب زدند و موفق شدند که ساعات کار را از دوازده ساعت به نه ساعت کاهش دهند. اما باز هم موفق به رسمی کردن جشن روز جهانی کارگران، به عنوان تعطیلات رسمی، نشدند.

سال ۱۳۱۰، کارگران قالی باف خراسان مراسم جشن اول ماه مه را

بگذار دشمنان به نماز وحشت بایستند، خاطره‌ی روز اول ماه مه همیشه جاوید خواهد ماند. در اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۱۸۸۶، بیش از ۳۵۰ هزار کارگر از دوازده هزار کارخانه در آمریکا برای پایین آوردن ساعت کار از پانزده ساعت به هشت ساعت، دست به اعتصاب زدند. تنها در شهر شیکاگو، چهل هزار کارگر در اعتصاب شرکت داشتند. روز دوم، تعداد کارگران اعتصابی در این شهر به هشتاد هزار نفر رسید.

وحشت سرمایه داران آمریکایی از مبارزات رو به اوج کارگران، آنان را به مقابله واداشت. روزنامه‌ی ارتجاعی «شیکاگو تریبون» نوشت: «اعصابیون اکثر کمونیست... و تقریباً همه اجنبی هستند.» به دنبال آن، سرمایه داران آمریکایی نیروهای مسلح و سرکوب خود را به میدان فرستادند. پلیس سرکوب با انداختن بمب در صف خود و با دست خود، به بهانه‌ی این که کارگران اخلاص گر و خراب کارند و بمب به سوی پلیس پرتاب کرده‌اند، به صفوف آرام و متشکل کارگران حمله ور شد. نتیجه، ده‌ها کشته و زخمی و اعدام چهل نفر از رهبران کارگران و شکست اعتصاب بود.

در سال ۱۸۸۹، کنگره‌ی دوم بین‌الملل کارگران در پاریس قطع‌نامه‌ای انتشار داده و در آن قطع‌نامه، اول ماه مه، روز جشن هم بستگی جهانی کارگران اعلام شد.

در سال ۱۸۸۹، جشن اول ماه مه در شهرهای فرانسه، آلمان، بلژیک، هلند، آمریکا، سوئد، نروژ و اسپانیا با تظاهرات عظیم کارگری برپا شد. در این روز، «کارگران اروپا و آمریکا، نیروهای مبارزاتی‌شان را به نمایش گذاشتند و برای اولین بار در یک صف و در زیر یک پرچم بسیج شدند. نمایش این روز به سرمایه داران و مالکان زمین هم‌هی کشورهای جهان نشان داد، که کارگران سراسر جهان واقعا متحدند.»

خون کارگران آمریکایی در سراسر جهان شکوفه زد و بر پرچم کارگران نقش بست. خون کارگران آمریکایی هم چون لاله‌های سرخ سراسر جهان کار را فرس کرد و روز اول ماه مه، روز هم بستگی جهانی کارگران، روز صف‌آرایی متشکل بین‌المللی کارگران، روز نمایش سپاه کار جهانی، روز تجدید عهد و پیمان کارگران جهان در راه تشکیل طبقه‌ی کارگر جهانی و محو استثمار، روز جشن جهانی کارگران، است.

شد. هم چنین قانون هشت ساعت کار در روز و یک روز تعطیل در هفته تصویب شد.

سال ۱۳۳۰، جشن‌های اول ماه مه به صورت سراسری در سطح ایران به صورت با شکوهی اجرا شد. نتیجه‌ی کوتای آمریکایی بیست و هشتم مرداد ۱۳۳۲، سقوط حکومت مصدق و سرکوب مبارزات کارگران، زحمت کشان و آزادی خواهان ایران بود. در سال‌های بعد از کودتا، رژیم سفاک پهلوی برای توهین به کارگران، رسماً تعطیل روز اول ماه مه را ملغی کرده و روز تولد رضاخان (بیست و چهارم اسفند) را روز کارگر اعلام کرد. ولی کارگران مبارز و آگاه غالباً در این روز سر کار حاضر می‌شدند، اما روز اول ماه مه را تعطیل می‌کردند و این در زمانی بود که تعطیل روز اول ماه مه کم‌ترین تنبیه‌اش جریمه و حتا اخراج کارگران بود و کارگران به این وسیله نفرت طبقاتی خود را از رژیم سرکوب گر شاه نشان می‌دادند. در شرایط اختناق پلیسی بعد از کودتای بیست و هشتم مرداد، زمانی که تنها سخن از روز کارگر هم جرم بود، سندیکاها و اتحادیه‌های واقعی به صورت مخفی و با ابتکارات خود کارگران، اول ماه مه را جشن می‌گرفتند. از جمله سندیکاهایی که طی این سال‌های سیاه استبدادی، مراسم اول ماه مه را به صورت مخفی برگزار می‌کردند،

به صورت مخفی در «کوه سنگی» برگزار کردند. در همین سال، کارگران اصفهان در روز کارگر تظاهراتی در خیابان چهارباغ انجام دادند و با شعار «زننده باد اتحاد تمام کارگران جهان» دست به راه پیمایی زدند.

سال ۱۳۱۷، عده‌ی کثیری از کارگران چاپ خانه‌ها در یکی از رستوران‌های تهران به همراه خانواده‌های خود و با شرکت نمایندگان صنف چاپ، روز اول ماه مه را جشن گرفتند، که با هجوم ماموران شهربانی و دستگیری عده‌ای از کارگران، جشن ناتمام به پایان رسید.

در اوج جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰، جبهه‌ی نبرد بعدی گشوده شد. در اثر دمکراسی نیم بندی که به وجود آمد، دولت تحت فشار کارگران مجبور شد روز اول ماه مه را تعطیل رسمی اعلام کند.

سال ۱۳۲۳، کارگران با تظاهرات صد هزار نفری در تهران و ۲۵۰ هزار نفری در شهرستان‌ها، هم بستگی بین‌المللی خود را با کارگران سراسر جهان اعلام کردند.

در سال ۱۳۲۵، مزدوران رژیم شاه در جشن اول ماه مه به کارگران کرمانشاه تیراندازی کردند و با سرنیزه به کارگران یورش برده و



عبارت بودند از: سندیکای چاپخانه‌ها، سندیکای فلزکار مکانیک، سندیکای خبازان، سندیکای کارگران خیاط و صنعت گران نفت جنوب، که معمولاً از روزهای ششم و هفتم اردیبهشت به تدارکات جشن پرداخته و در روز اول ماه مه (یازدهم اردیبهشت) سندیکا را با شعارها و پوستره‌های مخصوص این روز تزئین می‌کردند. این مبارزات به اشکال مختلف ادامه یافت، تا آن جا که حتا رژیم شاه پس از سال ۵۲ زیر فشار مبارزات کارگران مجبور به تعطیل رسمی یازدهم اردیبهشت و به رسمیت شناختن مجدد روز کارگر گردید.

رژیم شاه تلاش می‌کرد تا از روز اول ماه مه هم به نفع نظام خود استفاده کند، چنان که از نمایندگان فرمایشی و قلابی کارگران می‌خواستند که در این روز برای دست بوسی نزد شاه بروند، ولی

آن‌ها را زخمی کردند. اما کارگران در حالی که تیر خورده بودند، به مزدوران شاه فریاد می‌زدند: «بزنید، بریزید خون ما را، این خون‌های ما از آن خون‌هایی است که از هر قطره‌اش هزاران نفر کارگر با شهامت از این سرزمین مقدس می‌رویاند، که انتقام ما را می‌گیرند.» در همین روز، ابراهیم فوادی، کارگر آذربایجانی که تیر خورده بود، فریاد زد: «رفقا تکان نخورید، من آذربایجانی هستم و از این گلوله‌ها نمی‌ترسم.»

سال ۱۳۲۵، اتحادیه‌ی کارگران نفت جنوب روز اول ماه مه را به صورت علنی جشن گرفت، که بیش از هشتاد هزار کارگر و کارمند در این مراسم شرکت کردند. و بالاخره در همین سال ۱۳۲۵، روز اول ماه مه روز تعطیل رسمی با پرداخت حقوق و مزایا شناخته

کارگران مبارز و آگاه هیچ گاه به این ننگ و نفرت تن ندادند. بعد از ۲۵ سال اختناق و سرکوب رژیم ضد خلقی شاه مزدور و پس از پیروزی قیام بهمن، جبهه‌ی جدیدی گشوده شد تا عید انقلابی کارگران جهان، با شکوه‌تر جشن گرفته شود.

جبهه‌ی سوم نبرد بعد از سرنگونی رژیم سلطنتی شاه و دوران حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بود. در روز اول ماه مه سال ۵۸، تظاهرات عمومی کارگران در اکثر شهرها بر پا شد. اما عمدتاً به دلیل:

۱- عدم وجود تشکیلات توده‌ای کارگری؛

۲- بی برنامه‌گی و عدم برنامه ریزی تشکیلاتی از پیش؛

۳- عدم پیش بینی‌های لازم از قبل جهت تدارک برگزاری این جشن و نادیده گرفتن جای مشخصی برای برگزاری جلسات تدارکاتی و اولیه؛

۴- پافشاری گروه‌ها و دستجات مختلف سیاسی برای رقابت‌ها و تبلیغات گروهی با در نظر گرفتن پلاکاردهای گروه یا سازمان؛

۵- دخالت و کارشکنی احزاب حکومتی و احزاب ضد کارگری و ضد خلقی و وابسته و ثناگوی حکومت؛

نیروهای ضد کارگری و ضد خلقی فرصت یافتند از این ضعف‌ها به نفع خود استفاده کنند و در هر گوشه دست به انواع توطئه بزنند. اما اولین نمایش قدرت سراسری کارگران در جشن روز اول ماه مه سال ۵۸، به کارگران سراسر ایران اجازه داد، تا چهره‌ی ضد کارگری رژیم و عوامل او را از نزدیک بشناسند. شرح اعمال توطئه گرانه و سرکوب گرانه‌ی رژیم حاکم و دار و دسته‌ی اوباشش در برخورد با روز جشن کارگران را مختصراً می‌آوریم.

در تهران، نیروهای سیاسی حاکم و وابسته به حکومت و همه‌ی دشمنان طبقه‌ی کارگر سعی در چند پاره کردن صف طبقه‌ی کارگر نمودند و تظاهرات و راه پیمایی کارگران عملاً در سه مرکز تهران برگزار شد. بعد از کش و قوس‌های فراوان، شورای هماهنگی جشن اول ماه مه، مسئولیت برگزاری جشن یک بخش از کارگران را به عهده گرفت. راه پیمایی از خانه‌ی کارگر آغاز شد. وجه مشخصه‌ی این صف این جا و آن جا تاکید بر منافع مستقل کارگری و غیر وابسته بودن راه پیمایان به رژیم حاکم بود. در تمام طول راه پیمایی، صد نفری از اوباشان رژیم جمهوری اسلامی با شعار «حزب فقط حزب الله»، «کمونیست نابود است، منافق نابود است»، به صفوف راه پیمایان حمله کرده و کوشیدند با ایجاد سد معبر مسیر راه پیمایان را مسدود نمایند. اما با همه‌ی توطئه‌ها و تحریکات اوباشان حکومتی، کارگران با شعار «اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد» توانستند اعمال ضد کارگری اوباشان را خنثی نموده و با نشستن روی اسفالت خیابان‌ها و خواندن قطع نامه‌ی خود، توطئه‌ی دشمنان خود را خنثی کنند و مراسم را پایان دهند. در مسیر راه پیمایی، عابرین و ساکنین محل با ریختن گل از راه پیمایی کارگران استقبال می‌کردند.

شیراز: به دعوت شوراهای کارگری کارخانجات شیراز در یکی از دانش کده‌های شیراز، جشن روز کارگر با حضور دوازده هزار نفر برگزار شد، که با حمله‌ی اوباشان حکومتی روبرو شد.

تبریز: کارگران تبریز برای بزرگداشت روز کارگر در باغ گلستان جمع شدند و از آن جا به سوی باغ شمال راه پیمایی کردند. جمعیت راه پیمایان به پنجاه هزار نفر می‌رسید. اوباشان حکومتی با شعارهای تفرقه اندازانه کوشیدند، تا مانع برگزاری این راه پیمایی گردند. آن‌ها به پوسترها و پلاکاردهای کارگران حمله کرده و ضمن مجروح

کردن تعدادی از کارگران به وسیله‌ی چوب و چماق، هم چنین با ریختن آب و شن به روی زنان کارگر، ماهیت واقعی ضد کارگری خود و اربابان خود را نشان دادند.

اهواز: کارکنان اهواز برای بزرگداشت روز کارگر، ساعت چهار بعدازظهر از فلکه‌ی زیتون کارگر به طرف باشگاه کارکنان نفت اهواز راه پیمایی کردند. اوباشان ضد کارگر با چوب و چماق به راه پیمایی کارگران حمله کرده و هشت تن از کارگران را مجروح نمودند، اما علی رغم حملات وحشیانه‌ی اوباشان، مراسم جشن روز کارگر با اجرای نمایش نامه‌ای توسط خود کارگران تا ساعت ۷/۵ غروب ادامه پیدا کرد.

اصفهان: کارگران برای بزرگداشت روز کارگر در خانه‌ی کارگر جمع شده و سخن رانی‌هایی ترتیب دادند. اوباشان ضد کارگر به مراسم کارگران حمله نموده و تجمع کارگران را بهم زدند.

ارومیه: کارگران برای جشن روز اول ماه مه در سالن باشگاه کارگران جمع شده و ضمن سخن رانی‌هایی در مورد اول ماه مه با خواندن سرودهای انقلابی و موسیقی عاشق‌ها کوشیدند تا این مراسم هر چه خاطره انگیزتر اجرا شود. اما این تجمع نیز بی نصیب از چوب و چماق عوامل مزدور رژیم حاکم نبود.

رشت: راه پیمایی کارگران از دو نقطه شهر شروع شد. کارگرانی که مصمم به اجرای مراسمی با خواست‌های طبقاتی خود بودند، از دبیرستان آزادگان به سوی پارک شهر راه پیمایی کردند. جمعیت راه پیمایان به بیش از شصت هزار نفر می‌رسید. کارگران در مسیر راه پیمایی، شعار «کاخ ظلمه فوکونیم، امه حقه فگیریم، نشیمی زیر بار ستم، چره کی کارگیریم» (کاخ ظلم را برمی‌اندازیم، حق مان را می‌گیریم، زیر بار ستم نمی‌رویم، چون که کارگیریم) را می‌دادند. تلاش نیروهای ضد کارگر و مرتجع (حزب جمهوری اسلامی با هم کاری حزب ملت ایران و جبهه‌ی ملی) برای پاره پاره کردن صفوف کارگران شروع شد. سرانجام کارگران در دو مرکز تجمع کردند، که در یکی از آن‌ها مزدوران رژیم صحنه گردان بودند و در دیگری کارگران قطع نامه‌ی خود را خواندند.

آبادان: اول ماه مه، جشن کارگری را کارگران آبادان با خواندن شعارهای «اول ماه مه و جشن جهان است امروز، روز فتح و ظفر کارگران است امروز» و با راه پیمایی برگزار کردند. اما این راه پیمایی هم از حمله‌ی اوباشان بی نصیب نماند. عصر همان روز از طرف سندیکای پروژه‌های آبادان یک راه پیمایی ده هزار نفره‌ی دیگر برگزار شد. مسیر راه پیمایی از محل سندیکای کارگران پروژه‌ای تا استادبوم تختی بود. ابتدا کارگران برای بزرگداشت خاطره‌ی کارگران شهید اول ماه مه یک دقیقه سکوت اعلام کردند و سپس راه پیمایان به سوی استادبوم تختی حرکت نمودند. در این استادبوم، شیخ رفسنجانی سخن رانی می‌کرد. او ضمن حمله به کارگران بیکار و پروژه‌ای، آنان را عامل سازمان جاسوسی سیای آمریکا و اردشیر زاهدی معرفی کرد و کارگران مبارز را که برای کسب حقوق حقه‌ی خود دست به اعتصای یا تحصن یا راه پیمایی می‌زنند، ضد انقلابی خواند. اما این تنها شیخ رفسنجانی نبود که علیه کارگران شمشیر می‌کشید، بلکه شعبه‌ی دفتر جمهوری اسلامی، رادیو تلویزیون محلی، مطبوعات وابسته‌ی محلی، و کمیته‌ی امام منطقه هم با انواع توطئه‌ها به سرکوب جشن کارگران برخاستند.

کارگران پروژه‌ای با شعار «سندیکا صوت الحریه» (سندیکا صدای آزادی است) و «سندیکا عزالتهتیه» (سندیکا شکوه و جلال است)

به سوی استادیوم تختی می‌رفتند. در طول مسیر اوباشان ضد کارگر وابسته به رژیم، چماق داران مرتجع، چاقوکشان و تعدادی ساواکی به هم راه کمیته چی‌های ژ ۳ به دست کوشیدند درگیری ایجاد کنند و انواع توطئه‌ها را برای متفرق کردن راه پیمایان انجام دادند، اما کارگران توانستند خود را به استادیوم تختی برسانند. شیخ موسوی، رئیس حزب جمهوری اسلامی آبادان، به کارگران پروژه‌ای اجازه نداد قطع نامه‌ی خود را بخوانند. در عوض، خودش قطع نامه‌ی حزب جمهوری اسلامی را خواند، که در آن قطع نامه خواسته شده بود روز جهانی کارگر باید به روزی غیر از اول ماه مه تغییر یابد.

– کرمانشاه: برای گرمی داشت روز جهانی کارگر بیش از شصت هزار نفر از کارگران و زحمت کشان در میدان جوانشیر کرمانشاه جمع شدند. اوباشان رژیم جمهوری اسلامی با چوب و سنگ و بطری شکسته به اجتماع کنندگان حمله کرده، که این حملات زخمی شدن چهل و یک نفر را به دنبال داشت.

در شهرهای دزفول، آمل، بابل، ساری، گرگان، قائم شهر، اردبیل، بروجرد، مشکین شهر، میاندوآب، همدان، و پارس آباد مغان نیز مراسم بزرگ داشت روز کارگر، هم راه با تهاجم و حملات اوباشان ضد کارگر بوده است.

برگزاری جشن اول ماه مه در کردستان و در میان خلق دلیر کرد با استقبال با شکوهی هم راه بود. چنان که در بیش از پنج شهر کردستان، کارگران و دهقانان زحمت کش با نظم سازمان یافته، مراسم روز هم بستگی جهانی کارگران را گرمی داشتند و مانع از هر گونه دخالت عناصر ضد کارگر و اوباشان در برهم زدن جشن گردیدند.

روز جهانی کارگر از طرف کارگران و زحمت کشان در شهرهای کرج، زاهدان، گنبد، بلوچستان، کرمان، و بجنورد نیز هم راه با هزاران شرکت کننده و با برپایی اجتماعات و سخن رانی و راه پیمایی ارج گذاشته شد.

\* \* \*

### فریاد کارگران قهرمان شیکاگو از دور دست تاریخ به گوش می‌رسد

امسال جشن روز اول ماه مه، روز جهانی کارگران، دوباره در پیش روی طبقه‌ی کارگر ایران است. دشمنان کارگران و همه‌ی نیروهای ضد خلق از نو در برابر کارگران صف کشیده‌اند. طی سال گذشته، شورای انقلاب و وزارت کار علاوه بر همه‌ی قوانین و مقررات و اعمال ضد کارگری، روز یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگران، را ممنوع اعلام کردند. و بدین ترتیب، سال گذشته رژیم جمهوری اسلامی ایران و رژیم دیکتاتوری نظامی شیلی تنها دو کشوری بودند که روز کارگر را لغو کردند.

در جلسه‌ی چهارم «کنگره‌ی سراسری شوراهای اسلامی کارخانجات»، در مسجدالجمود، کارگری از نعمت زاده، وزیر کار، پرسید: چرا یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگران، را از تعطیلات کارگری حذف کردید؟ وزیر کار فرما در جواب گفت: «چون جامعه‌ی ما یک جامعه‌ی اسلامی و روز کارگر هم روز عزیزی است و به عزیزی روز کارگر بود، که پیامبر اکرم دست کارگر را بوسه زد و ما چون پیروان آن حضرتیم، تمام روزهای سال را روز کارگر می‌دانیم. یعنی ۳۶۵ روز سال از نظر ما روز کارگر است، پس دلیلی ندارد که یازدهم

اردیبهشت را روز کارگر بدانیم.» در دومین جلسه‌ی «سمینار شوراهای وزارت کار»، کارگری از دانش مند، مسئول امور بررسی شوراهای وزارت کار، پرسید: چرا یازدهم اردیبهشت، روز جهانی کارگران، را از تعطیلات حذف کردید؟ دانش مند جواب داد: «چون ما می‌خواهیم جامعه‌ی بی طبقه‌ی توحیدی برقرار کنیم. در این جامعه، همه یکی هستند. یکی کارگر است و دیگری کارمند. از همین الان این روابط را شروع می‌کنیم به در هم ریختن و بنابراین، دیگر روز کارگر هم نداریم و حذف شده است.»

کارگران! چرا ستم گران از جشن ستم کشان، از روز هم بستگی جهانی کارگران، هراسانند؟ وحشت از چیست، که وزیر کار فرما پشت حدیث «بوسه‌ی پیامبر به دست کارگر»، چهره‌ی ضد کارگری خود را پوشانده است و به دروغ تمام ۳۶۵ روز سال را روز کارگر وعده می‌دهد. وحشت از چیست، که آن دیگری از پشت کاخ سرمایه داران در مقابل خواست تاریخی کارگران صحبت از جامعه‌ی بی طبقه‌ی توحیدی می‌کند؟ وحشت از چیست، که شورای انقلاب، رفسنجانی‌ها، حزب جمهوری اسلامی‌ها، اوباشان حکومتی، روز جهانی کارگران را حذف کرده‌اند؟ راستی وحشت از چیست، که آن‌ها از هم اکنون به نماز وحشت ایستاده‌اند؟

برای ستم گران، کشتار و سرکوب کارگران پراکنده و جدا از هم، کارگران منفرد و غیر متشکل، بسیار آسان است و این اعمال جنایت کارانه‌ای است که در هر روز و هر ساعت در هر گوشه‌ای از سراسر پهنه‌ی ایران صورت می‌گیرد. برای ستم گران، سرکوب مبارزات کارگران، روز جشن جهانی سرمایه داران است و «بدین دلیل است، که تمام روزهای سال ایران به نظر رژیم حاکم، روز کارگر است.» آن‌ها از ناآگاهی ما، از جدایی ما، از تفرقه‌ی بین ما بهره می‌برند و تا چنین است، آن‌ها هر روز جشن طبقاتی خود را با رقص و پایکوبی انجام می‌دهند. اما غول خفته مدتی است بیدار گردیده است. قد برافراشته است. وحشت ستم گران از این است: وحشت از غولی که به پا خواسته، وحشت از کارگران، وحشت از اتحاد و آگاهی کارگران، وحشت از تشکیلات کارگری، وحشت از قدرت یک پارچه و متشکل شده‌ی کارگران در سازمان خودشان، وحشت از اتحاد انقلابی کارگران با همه‌ی زحمت کشان و ستم دیدگان جامعه، وحشت از پیروزی زحمت کشان و کارگران، وحشت از گورکن جامعه‌ی ستم گران.

کارگران! برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر جشن اول ماه مه قدم پیش بگذاریم. جبهه‌ی مبارزه‌ی کارگران علیه ستم و استثمار را وسعت بخشیم. روز اول ماه مه را جدا از وابستگی‌های نژادی، مذهبی، ملیتی، و... جشن بگیریم و هر نیرویی که بخواهد با تکیه بر هر یک از مسایل فوق، عوام فریبانه خود را طرف دار کارگران جا بزند را افشا کنیم. برای تهیه‌ی مقدمات برگزاری جشن در هر واحد تولیدی، هر صنف و هر استان، کمیته‌ی هماهنگی ایجاد کنیم. در سطح شهر یا منطقه به تهیه‌ی مکانی برای برگزاری جلسات تدارکی بپردازیم.

\* \* \*

برگرفته از: نشریه‌ی «خبر کارگر»، شماره‌ی هشتم، فرودین ۱۳۵۹،

\* \* \*

## برفیز ای داغ لعنت نوره!

گفته می‌شود، که تا امروز و در عصر ما، دو ترانه - سرود وجود دارد، که بیش از هر آهنگ و سرود دیگری در جهان خوانده و شنیده شده است. اولی، بخشی از سمفونی شماره‌ی نهم بتیوون است، که سروده‌ای از «شیلر»، شاعر آلمانی، به نام «انسان‌ها» را به صورت آواز جمعی یا کر با آن می‌خوانند؛ و دومی، سرود «انترناسیونال» است که با روز اول ماه مه، روز جشن هم بستگی جهانی کارگران، تداعی می‌شود.

سرود «انترناسیونال» به بیش‌تر زبان‌های دنیا ترجمه شده است. نکته‌ی قابل توجهی که در برگردان این سروده وجود دارد، این است که در تمامی ترجمه‌های آن نه تنها معانی جمله‌های به کار رفته در آن هم سان است، بلکه مفاهیم در قالب سیلاب‌های سرود نیز هم خوان و بر یک قرار هستند. به این معنا، که اگر گروهی متشکل از چندین نفر و با چند زبان مختلف این سرود را هم زمان با هم، اما به زبان‌های رسمی خود به شکل کر بخوانند، برای آن کسانی که این سرود را در آن واحد به چندین زبان مختلف می‌شنوند، اجراهایی کاملاً یک دست و هم‌گون به گوش خواهد رسید. اما، این سرود در اصل به چه زبانی سروده شده است؟ مناسبت آن چه بوده است؟ و خالق آن کیست؟

«انترناسیونال» در اصل به زبان فرانسه و توسط «اوژن پواتیه» سروده شده است. وی در خانواده‌ای فقیر تولد یافت و تمام عمر خود را در فقر و محنت گذراند. شغل اوژن، کارگر بسته بند بود و بعدها نیز به عنوان کارگر قالب ریز امرار معاش می‌کرد. در روزهای تشکیل کمون پاریس، در سال ۱۸۷۱ میلادی، «اوژن پواتیه» به عضویت کمون انتخاب گشت، اما بعد از یورش پلیس فرانسه در هجدهم مارس آن سال و سقوط کمون، به اجبار به تبعید - ابتدا به انگلستان و سپس از آن جا به آمریکا - رفت. سرود «انترناسیونال» در ژوئن سال ۱۸۷۱ میلادی و در فردای شکست خونین ماه مه آن سال سروده شد.

«اوژن پواتیه» (Eugén Pottier) در سال ۱۸۸۰ میلادی به فرانسه بازگشت. نخستین دفتر اشعار او در سال ۱۸۸۴ و دومین آن تحت عنوان «ترانه‌های انقلابی» در سال ۱۸۸۷ به چاپ رسید. او سه سال بعد از چاپ این دفتر، در هشتم نوامبر سال ۱۸۸۷، در فقر و تنگ دستی در پاریس در گذشت. اوژن در گورستان پرلاشز، و در محل دفن کمون‌های اعدامی، به خاک سپرده شد.

در ماه ژوئن سال ۱۸۸۸ میلادی، شش ماه بعد از مرگ «اوژن پواتیه»، خالق سرود «انترناسیونال»، «پی یر دوژیت» (Pierre Degeyter)، که او نیز کارگر بود، با دستگاه ارگ بسیار ساده‌ای که در خانه داشت، ریتم و آهنگی بر آن گذاشت که سرود «انترناسیونال» نام گرفت. از دیگر ویژگی‌های این آهنگ و سرود، یکی هم آن است که برای اجرای آن نیازی به حضور نوازندگان و نواختن آلات و ادوات موسیقی نیست و همگان - ترجیحاً در شکل گروهی آن - می‌توانند این سرود را بخوانند. ماه بعد از خلق آهنگ این سرود، در ژوئیه‌ی سال ۱۸۸۸ میلادی، در یک گردهمایی از سوی روزنامه فروشان شهر «لیل» در فرانسه، نخستین اجرای کر «انترناسیونال» به

رهبری «پی یر دوژیت» انجام گرفت و از آن پس، «انترناسیونال» سرود کارگران سراسر جهان شد. «انترناسیونال» به تمامی زبان‌های اروپایی و غیر اروپایی ترجمه شده است. شعر این سرود اول بار به زبان فارسی توسط «ابوالقاسم لاهوتی» ترجمه گشت. اجرایی که از این سرود به زبان فارسی موجود است نیز بر مبنای همین ترجمه صورت گرفته است. از «انترناسیونال» ترجمه‌ی دیگری هم از «احمد شاملو» موجود است، که در شماره‌ی ۳۳ «کتاب جمعه»، ویژه‌نامه‌ی روز اول ماه مه، به تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹، به چاپ رسیده است. برگردان «شاملو»، از متن فرانسوی این سروده انجام شده است، که این جا آن را می‌خوانید:

\* \* \*

برخیزید، دوزخیان زمین!  
برخیزید، زنجیریان گرسنگی!  
عقل از دهانه‌ی آتشفشان خویش تندروار می‌غرد  
اینک! فوران نهایی ست این.  
بساط گذشته بروییم،  
به پا خیزید! خیل بردگان، به پا خیزید!  
جهان از بنیاد دیگرگون می‌شود  
هیچیم کنون، «همه» گردیم!

نبرد نهایی ست این.  
به هم گرد آئیم  
و فردا «بین‌الملل»  
طریق بشری خواهد شد.

رهاننده‌ی برتری در کار نیست،  
نه آسمان، نه قیصر، نه خطیب.  
خود به رهایی خویش برخیزیم، ای تولیدگران!  
رستگاری مشترک را بر پا داریم!  
تا راهزن، آن چه را که ربوده رها کند،  
تا روح از بند رهایی یابد،  
خود به کوره‌ی خویش بردمیم  
و آهن را گرماگرم بگوییم!

نبرد نهایی ست این.  
به هم گرد آئیم  
و فردا «بین‌الملل»  
طریق بشری خواهد شد.

کارگران، برزگران  
فرقه‌ی عظیم زحمت کشانیم ما  
جهان جز از آن آدمیان نیست  
مسکن بی مصرفان جای دیگری است.  
تا کی از شیرهی جان ما بنوشند؟  
اما، امروز و فردا،  
چندان که غرابان و کرکسان نابود شوند  
آفتاب، جاودانه خواهد درخشید.

نبرد نهایی ست این.  
به هم گرد آئیم  
و فردا «بین‌الملل»  
طریق بشری خواهد شد.

\* \* \*